

بررسی روشهای جذب سرمایه گذاری خارجی در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی ایران

امیر مسعود حدادی

که روش فاینانس برایشان ثقیل است و از لحاظ مدیریتی ضعف دارند و یا برای محصولات خود بازاریابی نکرده اند و نمی توانند در بازارهای بین المللی رقابت کنند، مناسب است.

روش بعدی روش سرمایه گذاری مستقیم یا FDI است. در این روش سرمایه گذار و کارفرما در مالکیت طرح شریک می شوند. این شراکت می تواند توافقی و به عناوین مختلف باشد. این روش در کشور ما جایگاهی ندارد چرا که با قانون اساسی مشکل دارد. با توجه به شرایط موجود مملکتی و مدیریتی و همبند تنگناهای اقتصادی فعلی، روش بیع متقابل برای طرح های توسعه ای نفتی ایران مناسب تر به نظر می رسد. البته با توجه به قیمت فعلی نفت در بازارهای جهانی نفت که نسبت به سالهای گذشته رشد خوبی داشته، روش فاینانس هم می تواند روش

اقتصادی و مدیریتی در کشور مساعد باشد و طرح ها بدون وقفه اجرا گردد و تولیدات با قیمت مناسب به فروش برسند، فاینانس روش مناسبی خواهد بود.

آن چیزی که باعث مخالفت کارشناسان با این روش است، ریسک سرمایه گذاری است. زیرا در صورتی که محصولات با قیمتی پایین تر از قیمت پیش بینی شده به فروش برسد و یا به هر دلیلی به فروش نرسد، پرداخت وام ها با مشکل مواجه می شود.

روش دیگر روش بای بک ((Buy-Back یا همان بیع متقابل است. در این روش، سرمایه گذار سرمایه و سود خود را از محل فروش محصول تولیدی به شکل های مختلف برداشت می کند. حال این برداشت می تواند طی یک سال و یا چندین سال به صورت برداشت کامل محصول باشد که ظرف مدت کوتاهی به پایان می رسد و یا می تواند به صورت پنجاه - پنجاه بین سرمایه گذار و کارفرما طی چندین سال صورت گیرد. به طور مثال در پروژه نفتی میدان سروش و نوروز در منطقه بهرگان که کارفرمای آن شرکت ملی نفت ایران (فلات قاره ایران) و سرمایه گذار آن شرکت معظم شل shell بوده است، برداشت محصول تقریباً پنجاه پنجاه می باشد که مسئولیت بازاریابی و فروش قسمت اعظم محصول را شرکت سرمایه گذار تحت نظارت شرکت ملی نفت ایران به عهده دارد. این روش سرمایه گذاری نیز مانند فاینانس موافقان و مخالفانی دارد. به طور کلی کشورهایی

از آنجا که بیش از ۸۰ درصد بودجه کشور از محل درآمدهای نفتی تامین می شود و به واقع بعید به نظر می رسد که تا ۲۰ سال آینده، اتکا به درآمدهای نفتی کنار گذاشته شود، لذا برنامه ریزی و آینده نگری نسبت به سرمایه گذاری در این صنعت عظیم امری ضروری به نظر می رسد. از آنجا که دولت اهم درآمدهای خود را صرف هزینه های جاری و عمرانی می کند و البته همیشه صنعت نفت به عنوان یک صنعت مادر در ردیف بودجه عمرانی قرار نگرفته و همیشه تامین کننده بودجه عمرانی صنایع دیگر بوده است، لذا دولت از بدو ملی شدن صنعت نفت همیشه با مشکل تامین اعتبار جهت طرح های توسعه ای مواجه بوده است. از اینرو به دلیل صرف درآمد های نفتی جهت نیازهای داخلی و نبود منابع مالی کافی، دولت به ناچار روی به سرمایه گذاری خارجی می آورد و این مهم یک نیاز مبرم جهت توسعه صنعت نفت محسوب می شود.

روش های سرمایه گذاری در صنعت نفت متفاوت است. یکی از این روشها تامین اعتبار از موسسات مالی خارجی یا همان فاینانس است. این روش که اغلب به صورت دریافت وام می باشد، پرداخت اصل و بهره وام از محل فروش تولید نفت و محصولات وابسته به آن پس از راه اندازی پروژه ها را به دنبال خود دارد. عده ای از صاحب نظران و کارشناسان از اینرو، مخالف و عده ای دیگر موافق این روش هستند و لیکن به طور کلی اگر شرایط از لحاظ

روش بای بک (Buy-Back) یا همان بیع متقابل است. در این روش، سرمایه گذار سرمایه و سود خود را از محل فروش محصول تولیدی به شکل های مختلف برداشت می کند. حال این برداشت می تواند طی یک سال و یا چندین سال به صورت برداشت کامل محصول باشد

مناسبی باشد ولیکن شوکها و نوسانات اخیر بار دیگر اعتبار روش مذکور را در ایران زیر سوال برده است چرا که نمی توان قیمت با ثباتی برای نفت و به دنبال آن محصولات مشتق شده از نفت در نظر گرفت.

روش بیع متقابل چندین ویژگی دارد که آنها باعث شده است مورد توجه طرف سرمایه گذار قرار گیرد. در این روش تهیه ادوات و تجهیزات پروژه به وسیله سرمایه گذار صورت می گیرد و قیمت گذاری با خود سرمایه گذار است و همین موضوع یک سود مضاعف را نصیب سرمایه گذار می کند. برای روشن تر شدن این موضوع مثالی می آوریم.





فرض کنید سرمایه گذار تجهیزات و دستگاههای مورد نیاز پروژه را از کشوری مانند آلمان با نصف قیمت و یا در بعضی مواقع خیلی کمتر از قیمت متعارف بازار خریداری می کند و لیکن چون قیمت گذاری آن در اختیار خود اوست، همان قیمت متعارف را به کارفرما اعلام می کند و بدین ترتیب از یک سود مضاعف نفع می برد.

نکته دیگر تضمین این سرمایه گذاری از طرف بانک مرکزی می باشد. این بدان معنی است که اگر سرمایه گذاری با شکست مواجه شود، بانک مرکزی موظف به پرداخت تمام غرامتها و خسارات وارده به سرمایه گذار می گردد. طبق آمار موجود دیون مرتبط با قرار دادهای بیع متقابل حدود ۶۰ میلیارد دلار برآورد گردیده است.

اقتصادی کشور را در دست دارد، واگذاری آن به بخش خصوصی در شرایط فعلی کاری بس خطرناک و حساس است چرا که مدیریت این صنعت با توجه به حجم منابع و ارزش غیر قابل محاسبه آن از توان و قدرت بخش خصوصی خارج است. هر چند که دولت در سالهای اخیر بدون هیچ گونه مطالعه ای تصمیم به واگذاری ۱۲۴ شرکت از شرکتهای تابعه وزارت نفت به بخش خصوصی گرفته است که این خود نیاز به تامل بیشتری دارد. البته می توان در راستای تحقق این امر، این پیشنهاد را به دولت معزز داد که بخش های خدماتی و تعمیراتی را به بخش خصوصی واگذار کند و بخش هایی نظیر مدیریت بهره برداری از مجتمع های پتروشیمی و چاههای نفت و گاز را در اختیار خود نگهداری کند چرا که هیچ عقل سلیمی شاهرگ حیاتی خود را در اختیار تیغ جلاذ قرار نمی دهد.

با این که روش بیع متقابل در حال حاضر و با شرایط موجود، روشی مناسب برای توسعه طرحهای نفت و گاز و پتروشیمی به نظر می رسد، لیکن بایستی به تدریج از این روش فاصله گرفته و رو به روشهایی آوریم که ضرر و زیان کمتری به منافع ملی وارد می آورد. از جمله این روش ها که اشاره کوتاهی هم در ابتدای بحث به آن کردیم، روش سرمایه گذاری مشترک است که به نوعی شکل بهبود یافته روش FDI است، چرا همانطور که عنوان شد این روش به خودی خود با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مشکل دارد.

در روش سرمایه گذاری مشترک، سرمایه گذار یا طرف خارجی مسئولیت تامین تکنولوژی و تجهیزات و ادوات را بر عهده می گیرد و طرف داخلی یا کارفرما هم منابع طبیعی را به میدان می آورد. طرف اصلی در این نوع از قراردادهای طرفی است که عمده سهام را در اختیار خود دارد. به عنوان نمونه تمامی قراردادهای از این دست در کشور به نحوی است که ۵۱٪ مالکیت قرارداد در اختیار طرف ایرانی است و ۴۹ درصد مابقی به طرف خارجی تعلق دارد و بنابر قوانین موجود، مالکیت طرح و مدیریت آن در اختیار طرف ایرانی خواهد بود. در این سرمایه گذاری یک نوع تقسیم ریسک صورت می گیرد. در این نوع از سرمایه گذاری زمینه های اشتراکی در جهت در دست گرفتن بازارها چه داخلی و چه خارجی در جهت ارائه محصول حاصل از طرح، مدنظر قرار می گیرد.

تمام مطالعات صورت گرفته و بررسی های موجود از یک سو و اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی مبنی بر خصوصی سازی صنایع که مورد تاکید مقام رهبری نیز می باشد از سوی دیگر باعث شده است که روشهای دیگر نیز مدنظر قرار گرفته و به اجرای این اصل کمک کند. البته در صنعت عظیم و حساس نفت که نبض

از آنجا که بیش از ۸۰ درصد بودجه کشور از محل درآمدهای نفتی تامین می شود و به واقع بعید به نظر می رسد که تا ۲۰ سال آینده، اتکا به درآمدهای نفتی کنار گذاشته شود لذا برنامه ریزی و آینده نگری نسبت به سرمایه گذاری در این صنعت عظیم امری ضروری به نظر می رسد

از دیگر مزایای بیع متقابل که در اختیار سرمایه گذار قرار می گیرد، بازاریابی محصول است. یعنی سرمایه گذار حق بازاریابی و فروش محصولات منتج از پروژه را به هر عنوان و شرایط در اختیار خود دارد و بدیهی است که محصول را با هر قیمت و به هر شکل به فروش برساند. متأسفانه در روش بیع متقابل در طرح های نفت و گاز به لحاظ دراز مدت نبودن مدت قرارداد روشهایی برای تولید به کار گرفته می شود که ضررهای جبران ناپذیری به مخازن نفت و گاز می رساند. این مضرات شامل افت فشار مخزن، آسیب به چاههای نفت، صدمه دیدن و استهلاک زودرس و فراوان تجهیزات تولید و ... می باشد.

با این حال در مخازن و میادین مشترک به ویژه میادینی که طرف مقابل زودتر دست به کار شده و در حال بهره برداری از آنها است روش بیع متقابل روشی مناسب است که نمونه واضح آن، میدان پارس جنوبی است که به دلیل آغاز بهره برداری از سوی قطر در هشت سال پیش بایستی هر چه سریعتر، طرحهای جدید را توسعه و آغاز کرد.

